پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۲۹ـ۴۹ (مقاله پژوهشی)

No. 26, Spring & Summer 2020

نقدی بر نظریه استقلالی بودن حجیت سنت با تکیه‌گاه بر دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی

رقیه جبرئیلی جلودار[۱]، سیدقاسم حسینی[۲]، عبدالله جبرئیلی جلودار[۳]

(تاریخ دریافت مقاله:۹۸/۱۰/۱ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۳/۱۱)

چکیده

برخی از محققان قائل به هم‌عرض بودن قرآن و سنت در حجیت بوده و سنت را در حالی که می‌توانند از قرآن کمک بگیرد در بخشی از اینکه قرآن درآن ساکت است، دارای استقلال می‌دانند، این نظریه برخلاف دیدگاه علامه طباطبایی و شاگردش آیت الله جوادی آملی است، که حجیت سنت را بر خواسته از قرآن و در طول آن می‌دانند، در این مقاله با روش تحلیلی، درصدد نقد دیدگاه اول برآمده و دلائلی از قبیل: قرآن آبشخور همه معارف سنت نه بخشی از آن، حجیت سنت وامدار آیات قرآن، قرآن معیار سنجش روایات، ترجیح ما وافق القرآن در تعارض روایات، ارائه شده است، دست آورد تحقیق حاکی از آن است که ادله قائلان به حجیت استقلالی سنت مثل، منبع بودن وحی برای سنت و دلیل عقلی بر حجیت سنت و نوگستر بودن آن، و عرضه روایات به سنت، نه تنها تمام نیست، بلکه برخی از آن به صورت غیرمستقیم حجیت سنت را در طول حجیت قرآن می‌داند و نه عرض آن.

کلید واژه‌ها: *قرآن، سنت، حجیت استقلالی، علامه طباطبایی، آیت الله جوادی آملی.*

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، آموزش تخصصی حضرت ام‌البنین(س) بابل، (نویسنده مسئول)، roghayehjebraeili@gmail.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم.

۳. دکتری تفسیر تطبیقی و مدرس حوزه و جامعه المصطفی (ص).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

۱. طرح مسئله

تمامی معارف و آموزه‌های اخلاقی و دستورات و احکام دین اسلام مستند بر منابع چهارگانه، قرآن و سنت و عقل و اجماع می‌باشد. نسبت دادن مطالب به دین اسلام باید مبتنی بر استناد آن مطالب بر این منابع چهارگانه باشد. اما اینکه وزن این منابع چهارگانه در مقایسه نسبت به هم یکسان هست یا خیر؟ و یا اینها نسبت به هم چه رابطه‌ایی دارند مطالب مفصلی هست که در جای خود مورد بحث قرار می‌گیرد. در این مقال که رابطه قرآن و سنت چگونه است؟ در اینکه این دو ترابط دارند و از تعاملی برخوردار هستند و هر دو خدمات مختلفی نسبت بهم دارند نیز بحثی نیست. سخن دقیقا در چگونگی حجیت این دو منبع است، که آیا همانطور که قرآن در حجیت خود مستقل است و حجیت آن وام‌دار سنت نیست، در مقابل سنت نیز در حجیت مستقل است و حجیت آن وامدار قرآن نمی‌باشد؟ آیا رابطه استقلالی هست یا آنکه حجیت سنت فرع قرآن است و از حجیت قرآن گرفته شده است؟ در میان محققان عده‌ایی بر این عقیده هستند که سنت نیز مثل قرآن دارای حجیت استقلالی هست، از قبیل شافعی و ابن‌حزم و غیر این دو مثل عبدالغنی عبد الخالق، سباعی وآمدی، که معتقدند کتاب و سنت از حیث احتجاج در احکام شرعیه در یک رتبه هستند. (نکـ : شافعی، ۳۳؛ اندلسی، ۱۹۹/۲؛ عبدالخالق، ۴۸۵؛ سباعی، ۱۸۸؛ آمدی، ۹۷ـ۹۶) صاحب کتاب رابطه متقابل کتاب و سنت می‌گوید: "قرآن و سنت در عرض هم قرار دارند یعنی در دو محور در کنار هم هستند" (نصیری، ۵۹۹) این گروه هرچند برای این ادعا ادله‌ایی ذکر کرده‌اند، ولی نه تنها این دلائل نمی‌تواند ادعای آنها را ثابت کند و مورد نقد جدی هست بلکه ادله متعددی بر عدم استقلال حجیت سنت نیز وجود دارد. لذا دانشمندانی در رد آنها سخنانی ایراد کرده‌اند، که می‌توان از اهل سنت شاطبی، مصطفی خمیس، محمود ابوریه و از شیعه علامه طباطبایی و کسانی که دیدگاه او را اختیار نموده‌اند مثل جوادی آملی، محمد ابراهیم جناتی، معرفت و سبحانی را نام برد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

واکاوی به ادله هر دو دیدگاه و داوری دربارهٔ آنها مساله اصلی مقاله حاضر است.

۲. مقدمه

تردیدی نیست که قرآن و سنت، دو منبع اصلی در تبیین معارف دینی‌اند که بین آن دو رابطه تعاملی متقابلی وجود دارد؛ که هم از خود قرآن و هم از حدیث ثقلین هم‌سویی و هم‌آوایی قرآن و سنت، در فهم معارف دین قابل درک هست آن‌هایی که قرآن و سنت را در عرض هم قرار می‌دهند مثل بعضی از بزرگان اهل سنت از جمله ابن حزم و شافعی، قرآن را آبشخور همه معارف سنت نمی‌دانند و معتقدند: لازم نیست سنت اعتبار خودش را از قرآن بگیرد و سنت و قرآن را هم رتبه می‌دانند. کتاب‌های زیادی در باره جایگاه سنت در برابر قرآن ورد منکران سنت نگاشته شده است که به مهمترین آن‌ها اشاره می‌کنیم. ۱. حجیة السنه عبدالغنی عبدالخالق ۲. السنه و مکانتها فی التشریع الاسلامی مصطفی سباعی ۳. القرآنیون و شبهاتهم حول السنه خادم حسین الهی بخش که به تفصیل به بررسی دیدگاها و ادله قرآنیون که که منکر سنت هستند پرداخته است ۴. منزله السنه من الکتاب واثرها فی الفروع الفقهیه محمد منصور که در این کتاب به نقش سنت در برابر قرآن تنها از جهت فقهی مورد بحث پرداخته است. ۵. علی نصیری در کتاب رابطه متقابل قرآن و سنت که مؤلف آن معتقد است سنت در عرض قرآن است، ایشان قائل هستند که سنت در عین این‌که می‌تواند از قرآن کمک بگیرد با این حال در اعتبار و حجیت دارای استقلال است و ضرورتاً وامدار قرآن نیست هرچند قرآن می‌تواند به اعتبار سنت کمک کند که چنین نیز شده است و لذا معتقدند سنت در ارائه بخشی از آموزه‌های دینی که قرآن نسبت به آن ساکت است، دارای استقلال است.

در این مقاله ابتدا ادله قائلان به حجیت استقلالی سنت ذکر می‌شود و سپس تحت عنوان ادله سلبی به نقد آن‌ها پرداخته شده و آنگاه ادله ایجابی در عدم استقلال حجیت سنت ارائه می‌گردد:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

۳. ادله موافقان حجیت استقلالی سنت

مهم‌ترین دلایل آنهایی که قائل به حجیت استقلالی سنت بوده و سنت را در عرض قرآن می‌دانند عبارت است از ۱- وحیانی بودن منبع سنت. ۲- دلیل عقلی بر حجیت سنت، به جهت ضرورت عصمت پیامبر (ص) و نوگستر بودن سنت ۳- عرضه روایات بر سنت. بعد از ذکر این دلائل نقد آن در قالب ادله سلبی عدم استقلال حجیت سنت ذکر خواهد شد، و اما توضیح دلایل آن‌ها به شرح ذیل است:

۳-۱. وحیانی بودن منبع سنت

مصدر و منبع کتاب و سنت یکی است و آن وحی الهی است، و این امر مهمی است یعنی هرچه در قرآن و سنت هست از خداوند تبارک و تعالی است، لذا شافعی می‌گوید: بین کتاب و سنت ارتباط علمی محکم و وثیق وجود دارد که هر دو همدیگر را کامل می‌کنند و هر دو آن‌ها از نظر حجیت در مرتبه واحد هستند برای این‌که با توجه به آیه شریفه «**وَما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوى‌إِنْ هُوَ إِلاَّ وَحْيٌ يُوحى**» (النجم، ۳-۴) پیامبر اکرم(ﷺ) هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آن‌چه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است (شافعی، الرساله). چنانچه عبدالغنی عبدالخالق در این باره می‌گوید: «سنّت با قرآن از نظر اعتبار و امکان استدلال به آن‌ها برای اثبات احکام شرعی برابر است، زیرا حجیّت قرآن ناشی از آن است که وحی خداوند است... . و سنّت از این جهت برابر با قرآن است، زیرا مانند قرآن وحی است، پس باید بپذیریم که اعتبار سنّت پس از قرآن نیست» (عبدالخالق، ۳۷۶). لذا نصیری می‌گوید «پیداست حجیت سنّت در عرض قرآن وجود دارد» (نصیری، ۲۹۷).

۳-۲. دلیل عقلی بر حجیت استقلالی سنت

مدعیان حجیت استقلالی سنت علاوه بر دلیل وحیانی بودن منبع سنت بر دلیل عقلی برای اثبات مدعای خود نیز استدلال کردند و آن را تحت دو شاخصه مطرح نمودند که به شرح آن می‌پردازیم و سپس در ادله سلبی عدم استقلال حجیت سنت هر دو شاخصه را نقد می‌کنیم.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

۳-۲-۱. ضرورت عصمت پیامبر (ص) و حجیت استقلالی سنت

اولین شاخصه این نظریه آنست که بر لزوم و ضرورت عصمت انبیاء ادله عقلی و نقلی فراوانی ذکر شده از جمله اینکه اگر انبیاء عصمت نداشته باشند نقض غرض الهی می‌شود چون غرض خداوند از ارسال رسل هدایت مردم هست ودر صورت عدم عصمت نبی و اشتباه و خطای او مردم چه بسا گمراه شوند، پس نقض غرض شد و یا تسلسل لازم می‌آید باید آن پیامبری که خطا می‌کند خود پیامبر دیگری داشته باشد که او را هدایت کند اگر آن پیامبر هم عصمت نداشته باشد پیامبر دیگری لازم است لذا تا عصمت نباشد یا نقض غرض هست و یا تسلسل که هر دو صحیح نیست و همین‌طور ادله دیگر عقلی که می‌رساند پیامبر باید عصمت داشته باشد. برخی از محققان معتقدند که حال که پیامبر (ص) عصمت دارد لازمه عصمت هم آنست که سخن او حجیت داشته باشد و چون عصمت او ضرورت عقلی داشت، پس سنت او حجیت استقلالی دارد، یعنی عقلا حجیت دارد نه اینکه قرآن بگوید که سنت حجیت دارد یعنی لزوما اعتبار و حجیت خود را از قرآن نمی‌گیرد و وام‌دار قرآن نیست. بنابراین حجیت سنت استقلالی می‌باشد. (نکـ : نصیری، ۵۹۹ و نیز نکـ : سباعی، ۱۵۸).

۳-۲-۲. نوگستر بودن سنت و استقلال حجیت آن

دومین شاخصه این نظریه این است که: سنت در برابر قرآن صرفاً به تقریر و تبیین خلاصه نمی‌شود بلکه سنت می‌تواند نوگستر باشد. یعنی بخشی از آموزه های دین که قرآن از بیان آن‌ها حتی برای معصومان ساکت است در سنت انعکاس یافته است (سباعی، ۱۵۸). آنها هم‌چنین معتقدند سنّت در ارائه بخشی از آموزه‌ای دین که قرآن نسبت به آن ساکت است دارای استقلال است و این نشان از تمام بودن این ادله است.

لذا برخی از محققان مثل شوکانی در ارشاد الفحول آورده است، سنت علاوه بر نقش تبیین و تقریر در ارائه برخی از آموزه‌های دین، استقلال دارد. (۱-۱۶۱) و جناب سید محمدتقی حکیم به نقل از شوکانی چنین آورده است: «ان ثبوت حجیّة السنّة المطهرة و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

استقلالها بتشریع الاحکام ضرورة دینیه و لا یخالف فی ذلک الّا من لاحظّ له فی دین الاسلام»» (حکیم، ۱۶۰) اثبات حجیّت سنت مطهر و استقلال سنت در تشریع احکام، ضرورتی دینی است و تنها کسی که بهره‌ایی از این مطالب ندارد و یا جز کسی که هیچ بهره‌ای از دین اسلام ندارد با این مطلب مخالفت نمی‌کند.

مصطفی سباعی نیز در کتاب «السنة و مکانتها فی التشریع الاسلامی» آورده است که اکثر علمای اهل سنت در اعتبار سنت میان انواع سنت مثل سنّت مؤکد یا مفسّر یا مستقل فرقی نگذاشته‌اند. که سخن این محقق چنین است: «احتجّ الجمهور بأن النصوص الواردة فی القرآن دالّة علی وجوب اتباع الرسول ... لا تفرق بین السنه الموکده او المفسّرة و المستقله.» (سباعی، ۱۵۸).

۳-۳. عرضه روایات به سنت

مدعیان حجیت استقلالی سنت روایاتی را متذکّر شده‌اند که به روایات عرضه موسوم است و با استشهاد به این روایات در صدد اثبات استقلال حجیت سنت هستند، علی نصیری آورده است که: «با کمک «روایات عرضه» می‌توان استقلال حجیت سنت را اثبات کرد به این ترتیب که: همان‌طور که برای فهم صحت راویات آن را به قرآن عرضه می‌کنیم می‌توانیم به سنت هم عرضه کنیم، می‌توان با استناد به این روایات، روایات را به قرآن و سنت عرضه کرده و در عموم این دست از روایات از سنّت در کنار قرآن به عنوان معیار مستقل یاد شده است. به عنوان نمونه به دو روایت اشاره می‌کنیم:

۱- امام صادق(علیه‌السلام) فرمود: «کل شیء مردود الی الکتاب و السنّه» همه چیز [می‌بایست] به کتاب و سنت بازگردانده می‌شود» (نصیری، ۳۲۷ به نقل از کلینی، ۶۹/۱ و برقی، ۲۲۱/۱).

۲- «لَا تُصَدِّقْ عَلَيْنَا إِلَّا مَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ» بر ما هیچ گفتاری را مگر آنچه که موافق قرآن و سّنت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) است تصدیق نکنید (کلینی، ۹۶/۱ الحر العاملی، ۲۷/۲۷).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

آن‌گاه می‌افزاید «در این دسته از روایات قرآن و سپس سنت نبوی به عنوان معیار باز شناخت روایات سره از ناسره معرفی شده‌اند به این معنا که ممکن است قرآن از ارائه پاسخ ایجابی و سلبی نسبت به صحت روایتی ساکت باشد. این امر نشان از واگذاری بخشی از آموزه‌های دینی به سنّت و سکوت قرآن از آن است که جزء شاخصه‌های اصلی نظریه دوگانه محوری است» (نصیری، ۳۲۸).

٤. ادله مخالفان حجیّت استقلالی سنت

طرفداران این دیدگاه به دو نوع دلیل استدلال کرده‌اند اولا ادله سلبی در نقد دلایل موافقان حجیت سنت، و ثانیا ادله ایجابی در اثبات عدم استقلال حجیت سنت.

٤-١. ادله سلبی در رد استقلال حجیت سنت

ادله سلبی یعنی نقض استدلال موافقان حجیت استقلالی سنت به این معنی که آنچه آنها به عنوان دلیل ذکر کرده‌اند، دلالت بر مدعی نمی‌کند.

٤-١-١. تایید قرآن بر وحیانی بودن سنت پیامبر (ص)

هرچند اصل سخن درست است که منشا کلام نبوی(ﷺ)و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) از وحی است چنانچه برخی بر این باورند که منشا کلام قرآنیون که معتقد به قرآن بسندگی هستند مبنی بر وحیانی نبودن سنت نبوی برمی‌گردد به عدم عصمت نبی و عدم لزوم اطاعت از نبی و منبع نبودن سنت (معارف، ۵۳) که این هر سه غیرقابل پذیرش است پس باید بپذیریم که منشاء سنت نبوی وحی است، لکن تایید خود این مطلب از قرآن هست، یعنی قرآن تایید کرده که کلام پیامبر(ﷺ) از هوی و هوس نیست و همین آیه مذکور دلیلی است که روایت حجیت خود را از قرآن گرفته است. ضمن اینکه از این آیه استفاده نمی‌شود که روایت نبوی در حجیت مستقل و هم تراز وحی است، بلکه براساس سیاق آیات بویژه آیه بعدی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

«عَلَّمَهُ شَدِیدُ الْقُوی» (النجم، ۵) به این معنی می‌باشد که سخنانی کـه پیـامبر(ﷺ) از جانـب خدا می‌گوید کلام خدا و قرآن و از وحی است، پس در آیات سوره نجم سـخن در آیـاتی است که پیامبر(ص) از قرآن بیان می‌کند، نه سنت و سخن عادی پیامبر (ص)، لذا این دلیـل تمام نیست. علاوه بر آنکه وقتی پیامبر(ﷺ) برای اثبات حقانیت خود از قرآن بهره می‌بـرد این خود نشان می‌دهد که کلام ایشان در حجیت مستقل و در عرض کلام خدا نیست. و اگر گفته شود که پیامبر چاره‌ایی نداشت جز اینکه حقانیت خود را با قرآن به اثبات برسـاند بـا قرآنی که معجزه بود و مردم هم معجزه بودن قرآن را فهمیده بودند. خواهیم گفت که منظور از عدم استقلال روایت نیز همین است که روایات و سـخن پیـامبر (ص) بـه کمـک قـرآن حجیت دارد و در طول قرآن است اما قرآن که استقلالش ذاتی اسـت چـون معجـزه اسـت اعتبارش مستقل است.

٤-١-٢. عدم وجود دلیل عقلی بر استقلال حجیت سنت

مدعیان حجیت استقلالی سنت به دو دلیل عقلـی اسـتدلال کـرده بودنـد بـا عنـوان دو شاخصه برای اثبات استقلال حجیت سنت که هر دو آنها نا تمام است.

الف: دلالت نداشتن ضرورت عصمت بر استقلال حجیت سنت

ضرورت عصمت نبی دلالت بر استقلال سنت و سخن او نسبت بـه قـرآن نـدارد. ادّعـا چیزی است و دلیل چیز دیگر، یعنی عصمت پیامبر(ﷺ) و امـام اقتضـای ضـرورت عقلـی است ولی حتما باید سنت معصوم به صورت مستقل و در عرض کتاب خدا حجیـت داشـته باشد؟ چنین مطلبی از ضرورت و دلیل عقلی استفاده نمی‌شود. ممکن است گفته شود لازمه عصمت پیامبر (ص) این است که کلامش مثل همان قرآن است و لذا مستقلا حجیـت دارد، لکن این خود به این معنی است که چون عین قرآن است حجیت دارد پس اعتبـارش را از آن جهت که عین قرآن است دارد یعنی وقتی با قرآن سنجیده می‌شود می‌بینیم عـین قـرآن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

است، پس در طول قرآن است. و یا ممکن است گفته شود چون معصوم هستند سخنشان کـاملا قابل اعتماد است البته که چنیین است لکن این قابل اعتماد بودن غیر از حجیت مسـتقل داشـتن است، یعنی می‌تواند در حالی که حجیت خود را از قرآن دارد قابل اعتماد باشد.

ب: عدم دلالت نوگستر بودن سنت بر حجیت استقلالی آن

نوگستر بودن احادیث بر اساس جزئیات است وکلیات احکام در قرآن آمده اسـت ونـه تنها احکام بلکه براساس قول برخی از محققین در جامعیت قرآن هماننـد آیـة الله جـوادی آملی همه چیز در قرآن آمده و قرآن با داشتن باطن بیانگر همه چیز هست و افراد عادی به دلیل تیرگی و نداشتن لیاقت از رسیدن به تمام معارف آن عاجزند (کریمی، ۸۵).

آیة الله جوادی آملی در مورد این‌که همه معارف سنت در قرآن وجود دارد آورده اسـت که یکی از شواهدی که نشان می‌دهد که همه معارف سنت در قـرآن وجـود دارد ایـن آیـه است که خداوند در سوره مبارکه نحل آیه ۸۹ می‌فرماید: «**وَنَزَّلْنَا عَلَيْکَ الْکِتَابَ تِبْيَانًا لِکُـلِّ شَيْ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ**» [و ما این کتاب (آسمانی) را برتـو نـازل کـردیم کـه بیانگر همه چیز است، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.] به ضـمیمه روایات فراوانی که دلالت می‌کند، نه تنها شامل مجموعه دینی از معارف و نبوّت و معـاد و اخلاق و احکام و مانند آن‌هاست، بلکه همهٔ اسرار جهـان و رخـدادهای نظـام کیهـانی تـا قیامت را جامع است (جوادی آملی، ۲۱۹/۱).

و نیز ایشان در کتاب «قرآن در قـرآن» مـی‌فرمایـد: «خداونـد در سـوره مبارکـه انعـام می‌فرماید: «**لارطبٍ ولا یابسٍ إلا فی کتاب مبـین**» (الانعام، ۵۹). مقصود از «رطب ویـابس» به قرینه قبل و بعد آیه علم همه اشیاء است. و در ادامه با ذکر سؤالی می‌فرماید: آیـا تمـام حقایق جهان و کیفیت رهیابی به همه علوم و معـارف تجربـی، ریاضـی، کلامـی، فلسـفی، عرفانی و مانند آن در قرآن مبسوطاً بیان شده است؟ بعد آورده است پاسخ منفی است مگر به لحاظ باطن قرآن و مرحله والای آن که «ام الکتـاب» باشـد؛ زیـرا همـه حقـایق در آن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

منطوی است و انسان کامل به آن راه دارد (همان، ۲۲۵).

براساس سخنان علامه طباطبایی نیز کلیات هر چیزی در قرآن ذکر شده و قرآن با اشاره بر همه چیز دلالت می‌کند زیرا هدف انسانیت که در به کار بستن اصول اخلاقی و قوانین عملی است نهفته است، مناسب و لازمه همان جهان‌بینی می‌باشد که قرآن مجید تشریح کامل نموده است (طباطبایی، ۲۶) چه رسد به احکام که قطعا براساس جامعیت قرآن کلیات آن در قرآن ذکر شده است، بنابر این با توجه به کلیات مذکور در قرآن در روایات نو وتازه ایی نیست فقط تبیین جزییات است.

لذا در احکام وقتی از امام (ع) سوال می‌شود که چرا مسح بخشی از سر کفایت می‌کند فرمود: **لمکان البا**، چون با دلالت بر بعض می‌کند. پس امام هم احکام را از قرآن استخراج می‌کند ولی ما چون نمی‌دانیم گمان می‌کنیم خودش می‌گوید و می‌پنداریم که سنت آنها سنت استقلالی دارد. در حالی که چنین نیست و این سنت برمی‌گردد به قرآن.

علاوه بر آنکه حتی در مواردی هم که خود پیامبر (ص) حکمی را تشریع می‌کند چون تایید و حجیت سنت پیامبر (ص) را قرآن بیان داشته که **او ما ینطق عن الهوی هست** احکامی که بیان می‌کند با تایید این آیه حجیت دارد نه به صورت مستقل. یعنی اگر نبود این عبارت که هرچه او می‌گوید از هوی و هوس نیست کلام او حجیت نداشت پس سنت اعتبار خود را وامدار تایید قرآن است.

٤-١-٣. دلالت نداشتن عرضه روایات به سنت بر حجیت استقلالی آن

اگر می‌توان برخی از روایات را به سنت عرضه کرد باید صحت آن سنت را از قرآن اثبات کرد، با توجه به روایات فراوان که می‌گوید برای صحت سنت آن را به قرآن عرضه نمایید. بنابراین، این دسته روایات عرضه می‌گوید ارجاع به سنت، ولی سنتی که ثابت شده از مسیر قرآن است نه مطلق سنت ولو سنت مشکوک قبل از اثبات حجیت باشد. یعنی روایات را به واسطه سنت به قرآن عرضه می‌کنیم، بنابراین باز هم سنّت در حجیت خود

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

محتاج قرآن هست. هم‌چنان‌که آیة الله جوادی آملی در این باره آورده است که حجیت قرآن ذاتی و استقلالی است و حجیت روایات معصومین فرع بر حجیت سنّت پیامبر اکرم و حجیت روایات به قرآن برمی‌گردد (جوادی آملی، ۳۷۸ـ۳۷۷) و نیز تصریح کرده است همه آن‌چه که اهل بیت می‌گویند سخن قرآن است لیکن با واسطه قرآن که از اسرار قرآن گرفته و برای مردم تبیین می‌کنند (همانجا، ۳۹۰).

٤-۲. دلائل ایجابی بر مستقل نبودن حجیت سنت (در طول قرآن بودن)

مخالفان با حجیت استقلالی سنت علاوه بر نقد و رد دلائل موافقان به دلیل‌های ایجابی برای اثبات عدم استقلال حجیت سنت نیز استدلال نمودند که به مهم‌ترین این ادله اشاره می‌شود:

٤-۲-۱. قرآن آبشخورهمه معارف سنّت

قرآن آبشخور همه معارف سنت است و سنت در طول قرآن به تبیین و یا تأکید آموزه‌های قرآن می‌پردازد. علامه طباطبایی معتقد است که سنت آنچه را که قرآن بر آن دلالت دارد، تبیین می‌کند یعنی همه معارف از قرآن است ولی تبیین آن را روایات به عهده دارد، لذا علامه می‌گوید: این همان چیزی است که آیات مختلفی از قرآن به آن دلالت دارد از قبیل آیه شریفه: «**وَأَنْزَلْنا إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَیْهِمْ**» (النحل، ۱۶) و «**وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ**» مفهوم این آیات این است که روایات آنچه را که قرآن بر آن دلالت دارد را به مردم یاد می‌دهد و برای آنها تبیین می‌کند. (طباطبایی، ۸۵/۳) این‌که [مقام روایات مقام تعلیم قرآن است] همان چیزی که آیاتی نظیر آیات فوق برآن دلالت دارد. پس پیامبر به مردم تبیین می‌کند آن‌چه را که خود قرآن به آن دلالت دارد.

برخلاف کسانی که سنت را درعرض قرآن قرار می‌دهند و معتقدند که قرآن تنها آبشخور بخشی از معارف هستند معتقدیم که قرآن آبشخور همه معارف سنت است**آیت الله جوادی آملی**در این باره آورده است «آن‌چه که ائمه معصومین (علیهم‌السلام) می‌دانستند در قرآن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

وجود دارد. که حتی خود ائمه تصریح کردند به عنوان نمونه در روایتی از امام باقر(ع) چنین آمده است؛ هرگاه سخنی برای شما بگویم از من بپرسید که در کجای قرآن استفاده کرده‌ام. آن‌گاه چنین فرمودند: پیامبر از قیل و قال و تباه کردن مال و جامعه و زیاد سؤال کردن نهی کرد. گفتند: ای فرزند رسول خدا این سخن در کجای قرآن است؟ آن‌گاه امام (ع) به سه آیه قرآن استشهاد کردند (برقی، ۲۶۹/۱ و کلینی، ۶۰/۱ و نیز جوادی آملی، ۳۸۳).

آیت الله جوادی آملی می‌افزاید «معنی این‌که سنت در طول قرآن وجود دارد این است که تبیین قرآن از سوی پیامبر تبیین درونی است نه بیرونی» (جوادی آملی، همانجا). یعنی پیامبر(ص)آنچه درون قرآن هست را تبیین می‌کند، شان پیامبر(ص) یا تبیین است و یا تعلیم آیات قرآن است و یا تذکر که «فَذَكِّرْ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٌ» (الغاشیه، ۲۱) که در هر سه صورت از درون قرآن و در طول قرآن است و نه در عرض قرآن (همانجا).

٤-٢-٢. تایید آیات قرآن برحجیت سنت

آیات قرآن در عرصه‌های مختلف رفتار نبوی را تایید نموده است و این بیانگر آن است که سنت، حجیت خود را از قرآن گرفته است، زیرا این قرآن است که عصمت پیامبر(ص) و سخن پیامبر (ص) و قضاوت ایشان را تایید نموده والا سنت پیامبر حجیتی پیدا نمی‌کرد و این آیات به چند دسته تقسیم می‌شوند:

٤-٢-٢-١. تایید عصمت پیامبر اکرم(ص)و اهل بیت(ع) در قرآن

الف: آیه اولی الأمر «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلاً» (النساء،۵۹). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او]

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است» آیه همسان بودن اطاعت اولی الأمر و اطاعت از پیامبر (ص) و همسان بودن اطاعت پیامبر(ﷺ) و اطاعت خداوند را ثابت می‌کند، در این آیه به اذعان همه مفسران شیعه مراد از اولی الأمرائمه‌معصومین(علیهم‌السلام) هستند که آیه ناظر بر عصمت آن‌ها به‌طور خاص است (طبرسی، ۱۰۰/۳ و طباطبایی، ۳۸۷/۳ـ۴۰۰ و مکارم شیرازی، ۴۳۶/۳). بنابراین از آیه عصمت پیامبر (ص) و ائمه (ع) و حجیت سنت آنان استفاده می‌شود زیرا اطاعت مطلق ذکر شده در همه موارد اطاعت از آنها واجب هست، تاکید می‌شود مطلقا اطاعت واجب است. و این یعنی تایید عصمت آنها و لذا حجیت سنت آنها از قرآن می‌باشد نه به صورت ذاتی از خود سنت.

ب: آیه تطهیر آنجا که می‌فرماید: «**إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً**» (الاحزاب، ۳۳) یعنی: «خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند». که در این آیه منظور از رجس هرگونه پلیدی و مراد از تطهیر، تطهیر تکوینی است که عصمت تکوینی را ثابت می‌کند و منظور از اهل‌بیت در این آیه به اذعان روایات متواتر از فریقین پنج تن آل‌کسا هستند شامل پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین، که مناطاً و اخبار آنان سایر ائمه را نیز دربرمی‌گیرد (طباطبایی، ۳۰۹/۱۶ـ۳۱۳ و طبرسی، ۵۵۸/۸ـ۵۶۰) پس این آیه نیز تایید کننده عصمت و در پی آن حجیت سنت آنها تایید می‌کند لذا سنت حجیت خود را از قرآن گرفته است و در طول قرآن است و نه در عرض آن.

٤-۲-۲-۲. تایید سخن پیامبر (ص) در قرآن

آیاتی در قرآن به چشم می‌خورد که اعلان اعتبار سنت پیامبر و ضرورت استناد به آن را نشان می‌دهد. این آیات نشان دهنده حجیت سنت توسط قرآن و ضرورت استفاده و استناد از آن است؛

آیه ۳-۴؛ سوره النجم «**وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوى إِنْ هُوَ إِلاَّ وَحْيٌ يُوحى**» «و از سر هوس

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

سخن نمی‌گوید سخن او نیست مگر وحیی که به او وحی می‌شود» این آیه تصریح دارد بر این‌که پیامبر اسلام(ﷺ) هیچ سخنی را از روی هوا و هوس و امیال نفسانی بر زبان جاری نمی‌سازد و آن‌چه می‌گوید از مصدر وحی سرچشمه گرفته است (مکارم شیرازی، ۴۸۱/۲۲). البته برخی مفسران معتقدند قرینه مقامی این اطلاق را مقید می‌کند و منظور از آیه، قرآن است نه سنّت پیامبر(ﷺ) (طباطبایی، ۲۷/۱۹).

٤-۲-۲-۳. تایید قضاوت پیامبر(ﷺ) در قرآن

آیاتی که بازگوکننده حجیت داوری پیامبر(ﷺ) است. به عنوان نمونه ، نظیرآیه «**فَلَا وَرَبِّکَ لَایُؤْمِنُونَ حَتَّی یُحَکِّمُوکَ فِیمَا شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لَایَجِدُواْ فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِّمَّا قَضَیْتَ وَیُسَلِّمُواْ تَسْلِیما**» (النساء، ۶۵) «نه چنین است؛ به پرودگارت سوگند، که ایمان (واقعی) نمی‌آورند مگر زمانی که در مشاجرات و نزاع های خود، تو را داور قرار دهند، و در دل خود هیچ‌گونه احساس ناراحتی از قضاوت تو نداشته باشند (و در برابر داوری تو) کاملاً تسلیم باشند.» در سبب نزول آیه آمده است که میان زبیربن عوام – از مهاجرین – و یکی از انصار، بر سر آبیاری نخلستان نزاع شد. پیامبر قضاوت کرد که چون قسمت بالای باغ، از زبیر است، اوّل او آبیاری کند. مرد انصاری از قضاوت پیامبر ناراحت شد و گفت چون زبیر، پسر عمه توست، به نفع او داوری کردی! رنگ پیامبر پرید و این آیه نازل شد. عجبا که خودشان رسول اللّه را به داوری پذیرفته اند، ولی سرباز می‌زنند! امام صادق(ع) فرمود: اگر کسانی اهل نماز و حج و زکات باشند، ولی نسبت به کارهای پیامبر سوءظن داشته باشند، در حقیقت مؤمن نیستند. سپس آیه فوق را تلاوت فرمود (قرائتی، ۳۶۶/۲)

با توجه به این‌که یکی از مسئولیت‌های پیامبران، داوری و پایان دادن به مشاجرات و اختلاف‌هاست. و پیداست چنین مسئولیتی از پیامبر اکرم(ﷺ) نیز خواسته شده است اما این فلسفه زمانی به تحقّق می‌پیوندد که داوری آنان برای مردم حجّیت داشته باشد از این‌رو با توجه به آیه فوق قرآن حجِیّت و نافذ بودن داوری پیامبر اکرم(ﷺ) را تأیید کرده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

٤-۲-۳. قرآن معیار سنجش حجیت سنت

همانطور که مدعیان حجیت استقلالی سنت بر معیار بودن سنت برای اعتبار روایات استدلال کردند برای اثبات حجیت استقلالی سنت که پاسخ داده شد ومعلوم شد که استدلال تامی نبود، در مقابل روایات فراوانی بر معیار بودن قرآن برای سنجش سنت وجود دارد به عنوان روایات عرضه به قرآن که از آنها بخوبی بر عدم استقلال حجیت سنت می‌توان استدلال کرد. ضمن اینکه به صورت کلی قرآن معیار سنجش صحت و سقم تمام امور است، امور علمی و عملی مادی و معنوی و... .

٤-۲-۳-۱. دلیل قرآنی برمعیار بودن قرآن

قرآن معیار سنجش هر چیزی و خصوصا سنت است، قرآن قطعی‌ترین نص و محکمترین سند مکتوب مسلمانان است که بدون تحریف و تغییر و زیاده و نقصان بدست ما رسیده است. (نگاه کنید صیانه القرآن عن التحریف آیه الله معرفت و مصونیت قرآن از تحریف آیه الله خویی و نزاهت قرآن از تحریف جوادی آملی و...) از نظر هر مسلمان قرآن ملاک هر امر دیگر و سایه گستر بر هر چیز «**وَ أَنْزَلْنا إِلَيْکَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْکِتابِ وَ مُهَيْمِناً عَلَيْهِ فَاحْکُمْ بَيْنَهُم**» (المائده، ۴۸) و بیانگر هر چیز «**نَزَّلْنا عَلَيْکَ الْکِتابَ تِبْياناً لِکُلِّ شَيْءٍ**» (النحل، ۸۹)، که باطل در آن راه ندارد «**لا يَأْتِيهِ الْباطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِه**» (فصلّت، ۴۲) از این‌رو، هیچ سخن مخالف قرآن حجت نیست و پیامبر و امامان ما از پیش، به پیروان خود این رهنمود را داده‌اند که هیچ حدیث مخالف قرآن را از آنان ندانیم و به آنان نسبت نسازیم.

از این‌رو یکی از مبانی مهم برای نقد وبررسی روایات صحیح از سقیم، قرآن مجید می‌باشد که فریقین این مطلب را قبول دارند و بر معیاریت قرآن اتفاق نظر دارند این‌که حدیث جلوه سنت است و حدیثی اگر مخالف قرآن بود و به صورت مطلق و به نحو تباین کلی بر روح کلّی با روح آیات قرآن و اهداف عام آن مخالفت صریح داشت تأویل بردار

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

هم نبود چنین روایتی مردود و مطرود است و سنت برخواسته از آن سنت نبوی نیست، پس حجیت خود را سنت مدیون قرآن است و لذا در حجیت غیرمستقل است.

امّا اگر این دوگانگی از نوع عام و خاص یا مطلق و مقید بوده باشد حکم به مخالفت داده نمی‌شود و آن حدیث از این باب نمی‌تواند مطرود واقع شود (جوادی آملی، ۸۹).

احادیث مؤیّد عرضه به قرآن در مجامع روایی شیعه عموماً از قوّت برخوردارند؛ اما روایات وارد شده از طریق اهل سنّت ضعیفند. تواتر معنوی این روایات، وجود شبهه در این روایات از معصوم صادر نشده باشد را برطرف می‌نماید. اهل سنّت نیز به ضعف این روایات اهمیت نداده‌اند چرا که قرآن را داور و حاکم بر دیگر امور می‌دانند و سیره صحابه را نیز بر نقد روایات بر اساس قرآن یافته‌اند (جدیع،۶۹۸/۲).

٤-۲-۳-۲. دلائل روایی بر معیار بودن قرآن در سنجش روایات

اصولاً احادیثی که قرآن را به عنوان معیار سنجش شناخت روایات سره از ناسره اعم از موضوع یا ضعیف متنی معرفی کرده‌اند به دو دسته تقسیم می‌شوند؛

دسته نخست: روایات عرضه

روایاتی که به‌طور مطلق به ارجاع احادیث به قرآن تأکید کرده‌اند (الحرالعاملی، ۷۹/۱۸). از این دست از روایات به دست می‌آید که معیار سنجش روایات صحیح و سقیم، قرآن است.

الف) امام صادق(علیه‌السلام)از پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنین نقل کرده است: «كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ - وَ كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ» (همانجا). هر حدیثی به کتاب و سنّت بازگشت داده می‌شود و هر چه موافق با کتاب خدا نباشد «زخرف» است.

ب) شیخ طوسی چنین مضمونی را به عنوان روایت از پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه (علیهم‌السلام) نقل کرده است:

«إذا جاءكم منّا حديث فأعرضوه على كتاب اللّه فما وافق كتاب اللّه فخذوه و ما خالفه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

فاطرحوه أو ردّوه علینا» (ملایری، ۳۱۴/۱) هرگاه از ما حدیثی رسید آن را بر قرآن عرضه کنید، اگر موافق با آن است بگیرید و اگر مخالف است کنار بگذارید یا به ما برگردانید.

پس منظور از عرضه روایات بر قرآن، آن نیست که تمام منقولات معصومین(علیهم‌السلام) در قرآن است، بلکه منظور آن است که سنّت هم همچون قرآن منتسب به منشأ الهی است و اصول بسیاری از معارف، از قرآن گرفته شده و می‌توان با عرضه روایات بر روح کلی و مفاهیم عمومی قرآن، به صحت و اعتبار روایات یا عدم صحت و اعتبار آن پی برد.

دسته دوم: موافقت با قرآن وجه ترجیح در تعارض اخبار

این دسته از روایات منظور روایاتی است که در آن‌ها از معیار قرآن برای سنجش احادیث سخن به میان آمده، مربوط به تعارض اخبار است، یعنی در تعارض میان دو روایت که هر دو از حجیت برخوردارند، یکی از وجوه ترجیح موافقت حدیث با قرآن شمرده است. اینک به عنوان نمونه یکی از آن‌ها را اشاره می‌کنیم؛

در بخشی از روایات مفصلی از امام رضا(علیه‌السلام) چنین آمده است؛ «فَمَا وَرَدَ عَلَیْکُمْ مِنْ خَبَرَیْنِ مُخْتَلِفَیْنِ فَاعْرِضُوهُمَا عَلَی کِتَابِ اللَّهِ فَمَا کَانَ فِی کِتَابِ اللَّهِ مَوْجُوداً حَلَالًا أَوْ حَرَاماً فَاتَّبِعُوا مَا وَافَقَ الْکِتَابَ» (کلینی، ۱۶۶/۱ و الحر العاملی، ۸۲/۱۸ و ابن بابویه، ۲۳/۱).

هرگاه دو روایت مخالف به دست شما رسید آن‌ها را برکتاب خدا عرضه کنید، پس هر کدام که در قرآن وجود داشت اعم از حلال یا حرام آن‌چه را که موافق قرآن است پیروی کنید.

هم‌چنان‌که از ظاهر این دسته از روایات پیداست قرآن در تمام آن‌ها به عنوان مهمترین معیار برای وجه ترجیح روایات متعارض یاد شده است

به طوری که آیت الله جوادی آملی در کتاب قرآن در قرآن آورده است: در نصوص علاجیه وقتی از معصومین(علیهم‌السلام) سؤال می‌کنند که اخبار متعارض را چه کنیم، پس از آن‌که جمعهای دلالی را تذکّر می‌دهند، جمع‌های سندی را گوشزد می‌فرمایند و موافقت با قرآن را یکی از راه‌های علاج و جمع‌های سندی معرفی می‌کنند. جمع دلالی همان ردّ مطلق به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

مقیّد و عام به خاص و مانند آن است که جزء تفهیم و تفاهم عرفی است و اگر روایات متعارضی با جمع‌های دلالی مشکلشان رفع شود، معلوم می‌شود تعارض آن‌ها ابتدایی بوده در واقع متعارض نبوده‌اند و نیازی به جمع سندی نیست جمع سندی آن است که روایات از حیث سند و اصل صدور یا لحاظ جهت صدور شان از معصوم مورد بررسی قرار گیرد، در این زمینه یک راه علاج همان سنجش با قرآن است که فرموده‌اند: «فَمَا وَافَقَ کِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ کِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ» (کلینی، ۱۷۲/۱) روایتی را که موافق کتاب خدا بود، بگیرید و آن را که مخالف قرآن بود، رها کنید. (جوادی آملی، ۳۹۸ـ۳۸۸).

و در ادامه آورده است: پس معلوم می‌شود همان‌طور که روایات در اصل حجیّت نیازمند قرآنند، در تعارض روایات و تشخیص درستی و یا نادرستی مفهومی نصوص نیز معیار و میزان اعتبار قرآن است بنابراین، قرآن در مقام حجیّت «هو الأول» است هم‌چنان‌که در مقام تبیین و تفهیم و رفع مشکلات روایات «هوالآخر» است و روایات فرع قرآن هستند (جوادی آملی، همانجا).

پس با توجه به آن‌چه گفته شد قرآن علاوه بر این‌که به صورت مطلق می‌تواند به عنوان معیار ارزش گذاری روایات به کار آید، هم‌چنین می‌تواند به عنوان برترین دلیل برای ترجیح روایات متعارض مورد استفاده قرار گیرد.

۵ـ نتایج مقاله

۵-۱. هیچ کدام از ادله قائلان به حجیت استقلالی سنت که برگرفته از نظرات اهل سنت مثل ابن حزم و شافعی هست، نمی‌تواند مدعای شان یعنی هم عرض بودن کتاب وسنت را اثبات کند.

۵-۲. سنت را می‌توان به عنوان منبع در کنار قرآن به عنوان دومین منبع بعد از قرآن مورد استفاده قرار داد اما این به عنوان حجیت استقلالی سنت نیست. بلکه حجیت و اعتبار سنت برگرفته از قرآن است چه سنت قطعی باشد و چه سنت غیرقطعی و سنت قطعی اگر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

چه لازم نیست آن را بر قرآن عرضه کنیم و سنت قطعی از دو جهت همانند قرآن است (یعنی در بی‌نیازی از عرض بر منبع دیگر و در این‌که خودش منبع عرض سنّت غیر قطعی می‌باشد، همانند قرآن کریم).

۵-۳. حجِت و اعتبار سنت قطعی متوقف بر ثبوت رسالت رسول اکرم(ﷺ) است و رسالت آن متوقف بر معجزه بودن قرآن است لذا رتبه حجیت و اعتبار قرآن قبل از ثبوت رسالت رسول (ﷺ) می‌باشد، در حالی که ثبوت رسالت آن حضرت مقدّم بر اعتبار وحجِت سنّت قطعی اوست، زیرا خود سنّت قطعی ذاتاً معجزه نیست، تا ذاتاً معتبر و حجِت باشد، بلکه به واسطه رسالت رسول اکرم(ﷺ) به اعجاز قرآن کریم وابسته است.

۵-۴. طبق دیدگاه صاحب نظران شیعه مثل علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی، اعتبار سنّت همتای حجیت قرآن نخواهد بود؛ بلکه از لحاظ رتبه متأخر از آن است. و قرآن مجید آبشخور همه معارف سنت است و نیز در اعتبار حجیت خود وام‌دار قرآن است و در طول قرآن قرار دارد نه در عرض آن و قرآن به عنوان قطعی‌ترین سند برای شناخت روایات سره از ناسره است و با دانستن این مفاهیم هست که ما به فهم درست از قرآن و تفسیرآن می‌پردازیم و با استفاده از نظر صاحب نظران شیعه و تبیین درست نظرات این بزرگان می‌توانیم به ارائه تصویر درستی از دین و قرآن بپردازیم و از انحرافاتی که احیاناً با عدم شناخت آن پیدا می‌شود جلوگیری کنیم.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.

۲. آمدی، سیف الدین علی بن محمد، الاحکام فی اصول الاحکام، بیروت: دارالفکر، الطبعه الاولی، ۱۴۰۱ هـ ق.

۳. ابن بابویه، محمدبن علی، صدوق (ابن بابویه)، عیون اخبار رضا(علیه‌السلام)، محقق مهدی لاجوردی،تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.

۴. انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، قم: دهاقانی، چاپ اولّ، ۱۳۷۵هـ ش.

۵. اندلسی، ابن حزم، الاحکام فی اصول الاحکام، به کوشش احمد شاکر، قاهره: دارالعلم، بی‌تا.

۶. برقی، احمدبن محمد، المحاسن، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، چاپ دوم، بی‌تا.

۷. جدیع، ابومحمد عبدالله بن یوسف، تحریر علوم حدیث، بیروت: مؤسسه الریان، چاپ اول،۱۴۲۴ هـ ق.

۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۰هـ ش.

۹. همو، سرچشمه اندیشه، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

۱۰. همو، قرآن در قرآن، قم: نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۰هـ ش.

۱۱. حرّعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: مؤسسه آل‌البیت، داراحیاءالتراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.

۱۲. حکیم، سیّد محمدتقی، (نصیری، ۵۹۹)، قم: مؤسسه آل البیت(علیهم‌السلام)، ۱۳۹۰.

۱۳. سباعی، مصطفی، السنه و مکانتها فی التشریع الاسلامی، بیروت: دار الورّاق، چاپ اول، ۱۴۲۱هـ ق.

۱۴. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۵هـ ق.

۱۵. شافعی، محمدبن ادریس، الرساله، تحقیق احمد محمد شاکر، دارالفکر، بی‌نا، ۱۳۰۹ هـ ق.

۱۶. صدر، محمدباقر، بحوث فی علم الاصول، ایران، مطبعه مکتب الاعلام الاسلامی، المجمع العلمی، الشهید صدر، الطبعة الاولی، بی‌تا.

۱۷. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، منشورآت جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.

۱۸. همو، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه،۱۳۵۳.

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

۲۰. عبدالخالق، عبدالغنی، حجیّة السنّة، الازهر: دار التربیه، چاپ اول، ۱۹۴۰م.

۲۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، انتشارات در راه حق، چاپ چهارم، ۱۳۷۸هـ ش.

۲۲. کریمی، مصطفی جامعیت قرآن کریم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول،۱۳۹۰هـ ش.

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۸هـق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

۲۴. معزی ملایری، اسماعیل، جامع احادیث الشیعه، تحت اشراف آیت الله محمد حسین بروجردی، قم: بی‌نا، چاپ سوم، ۱۴۱۳هـ ق.

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴هـ ش.

۲۶. معارف،مجید، نقدی بر مدعای قرآنیون مبنی بر وحیانی نبودن سنت نبوی، مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال شانزدهم، شماره ۶۲، ۱۳۹۸، هـ ش.

۲۷. نصیری، علی، رابطه متقابل کتاب سنت، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.2.7]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]